

تفاوت بین مطالبات اصلاح طلبان و مطالبات طبقه کارگر در زمینه حقوق زنان

در گزارش ۷ ژانویه ۲۰۰۱ ایرانا آمده است که جناح اصلاح طلب درون مجلس، در لایحه ای خواسته است تا به قشری از زنان جامعه حق تحصیل با بورس دولتی درخارج از کشور اعطاء گردد. این حق تنها شامل زنان مجرد گشته و قرار است مبارزه ای است در راه پس گرفتن بخشی از حقوق از دست رفته زنان ایرانی در نظام باشد!

این قدم نمایندگان اصلاح طلب مجلس، در نگاه اول به نظر اقدامی مترقی و در جهت شکستن یکی از بندهای ستم بر زن در جامعه ما می باشد و البته باعث خوشحالی خیلی از زنان و دخترانی که مشتاقانه و به هر قیمتی شده، منتظر فرصتی برای خروج از ایران می باشند نیز می گردد. اما با کمی تأمل در این باره و در نظر گرفتن شرایط اقتصادی توده بسیار زیادی از کلیه اقشار مردم، زنان شاغل کارمند و بخصوص زنان کارگر متوجه خواهیم شد که اگرچه این حرکت در برخورد اول در دفاع از حقوق انسانی زنان می باشد، اما در حقیقت ماهیت طبقاتی بورژوائی داشته و در راستای مبارزاتی زنان طبقه کارگر ما نمی باشد. برای روشن شدن این نکته به چند جنبه در مورد این حرکت اصلاح طلبان در مجلس می پردازیم.

اول اینکه از زمان روی کار آمدن دولت خاتمی و حتی از زمان تشکیل مجلس ششم تا کنون، هیچ یک از اصلاح طلبان جناح خاتمی و یا نمایندگان مجلس، موضعی مترقی در دفاع از حقوق زن در ایران نگرفته و در مورد ستم حقوقی، اجتماعی و جنسی وارد بر زنان در ایران در برابر نظام اسلامی، بطور ریشه ای نپرداخته و

مخالفت نکرده است. کلیه بحث های موجود در زمینه حقوق زن در ایران، همیشه در چهارچوب قوانین اسلامی بوده است. مثلاً این لایحه شامل حال دوشیزگان شده و زنان شوهردار، از نظر این اصلاح طلبان می باید همواره تحت قیمومت شوهر باشند. این نوع برخورد در نفس خود و در هر زمینه ای که باشد، فرصت طلبانه و سطحی است و بنابراین تأثیری اساسی در وضعیت زنان ایران ندارد.

اگر زنان ایران، از طرف دیگر، در این نوع زمینه ها مبارزه می کنند، مفهومی کاملاً متفاوت با مواضع آنانی دارد که در مسند قدرت نشسته و خود را نمایندگان اصلاح طلب مردم می دانند. این نوع اصلاحات سطحی در زمینه حقوق زنان، وقتی که مسائل اساسی در این مورد حل نشده باشد و زمانی که اصلاح طلبان، اینگونه اصلاحات را همچنان در چهارچوب موازین اسلامی دنبال می کنند، ماهیتی ضدکارگری پیدا می کند و در نتیجه، خط آن کاملاً از خط مبارزاتی زنان طبقه کارگر جدا شده و برخوردی فرصت طلبانه می شود.

زنان طبقه کارگر ما، طبیعتاً مخالف ایجاد اینگونه اصلاحات در جو خفقان زای ایران نیستند، اما در عین حال از این واقعیت هم بی خبر نیستند که احیای اینگونه حقوق در شرایطی که کلیه زنان کارگر و نان آورد جامعه ایران زیر ستمی جنسی و طبقاتی و اقتصادی کمرشان خم شده و تبعیض قانونی در زمینه ابتدائی ترین مطالبات انسانی آنها حلقه زندگی را بر گردن آنان تنگ و تنگ تر کرده است، نقشی ناچیز در زندگی آنان داشته و دردی از دردهای آنها کم نمی کند.

دوم اینکه در جایی که دختران جوان خانواده های کم درآمد و کارگری به علت فقر مفرط به افراد بسیار مسن تر از آنان، به خاطر پولشان به فروش می رسند و یا این دختران به خودفروشی پناه برده، یا ترک خانواده کرده و پس از روانه شدن در کوچه و خیابان ها جسدشان در اطراف شهر یافت می شود و یا حتی به دلیل فشار بسیار در خانواده و جامعه دست به خودکشی می زنند، چطور نمایندگان اصلاح طلب مجلس به خود اجازه میدهند که اولین قدم در راه اصلاحات را در مورد فرستادن

دختران به خارج از کشور بردارند؟ چطور است که این مسئله از نظر آنان بر شرایط تنگ و دیوانه کننده زندگی اکثریت جوانان ما اولویت پیدا می کند؟ آیا این نمایندگان واقعاً نمی دانند که جوانان ما به خاطر فقر مفرط، نبودن کار، در اوج قدرت و توان جوانی، به علت فشارهای روحی ناشی از وضع زندگی شان، به مواد مخدر پناه برده و یا خودکشی می کنند؟ و این وضع در جامعه ما دختر و پسر هم ندارد، به غیر از اینکه به علت وجود تبعیض جنسی، دختران ما مورد حمله و شتمات اخلاق مردسالارانه هم در خانه و هم در اجتماع قرار گرفته و به ماهیت انسانی آنها جسارت هم می شود! چطور است این نمایندگان اصلاح طلب و دموکرات قادر نیستند در برابر این قبیل مسائل جدی و عمیق که نه تنها بر نسل فعلی که حتی بر چندی نسل آینده لطمه های جبران ناپذیر می گذارد، ضعیف و ناتوان هستند؟

سوم اینکه در جانی که کودکان خانواده های بیشماری به خاطر فقر شدید از رفتن به مدرسه محروم هستند، این نمایندگان دموکرات، چه دخترانی را می خواهند با بورس تحصیلی تأمین کنند و به خارج بفرستند؟ آیا این هم در واقع راه حل دیگری نیست برای خارج کردن سرمایه های ملی کشور و سرازیر کردن آنها در حساب های بانکی خانواده های این علما و خانواده های از ما بهترانشان؟ آیا علت آن ترس و وحشت رژیم از بلند شدن هر لحظه توده به جان آمده مردم نیست بر علیه این رژیم نیست؟

چهارم اینکه در جانی که میلیونها زن بی شوهر که سرپرستی خانواده های خود را به عهده داشته اند، پس از پیاده شدن قوانین اسلامی از حقوق انسانی خود، یعنی کار شرافتمندانه محروم شده و همگی به علت زن بودنشان روانه خانه ها گشته و بعد به ناچار و از روی بی پناهی، در خانه های خود، بوسیله همان صاحبکاران قبلی به خدمت گرفته شده اند، آیا حالا با مخارج همین دولت دختران جوان خود را روانه اروپا و آمریکا خواهند کرد؟

قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی، نه تنها با خانه نشاندن زنان کارگر، آنان را به بدترین نوع بردگی و در خدمت سرمایه داران آن کارخانه ها درآورد، بلکه با این قانون امکان داشتن هرگونه مزایای شغلی و بیمه های اجتماعی را هم بر روی آنان بست و با این عمل، از یک طرف میزان فقر را در میان این خانواده ها بالا برد و از طرف دیگر، سود بیشتری را به جیب صاحبان آن کارخانه ها سرازیر نمود، زیرا که دیگر این صاحبکاران مجبور به تأمین شرایط ایمنی، پرداخت اضافه کاری و بیمه این کارگران نشده و حتی در صورت پیش آمدن حادثه ای که منجر به صدمه زدن به کالای تولیدی بگردد، این کارگران را جریمه می کنند.

حتی زنانی که توانستند در برخی رشته ها شغل خود را در کارخانه ها حفظ نمایند، طبق قوانین اسلامی کار، موظف بوده اند که مالیات برآمد خود را درست برابر کارگران مرد پرداخت کنند. اما در عوض نه تنها دستمزدشان برای کار مساوی همیشه کمتر از مردان بوده است، بلکه بی رحمی قوانین اسلامی نسبت به زن در اینجا پایان نیافته و چوب زن بودنشان را پس از مرگ، خانواده هایشان باید بخورد. یعنی، چون بنابر موازین اسلامی فرزند از مادر ارث نمی برد، لذا پس از مرگ او کودکانش نمی توانند از مزایای بازماندگی مادر استفاده نمایند. در حالیکه این زنان کارگر همچون مردان در هنگام پرداخت مالیات، حق دوران بازنشستگی و... همان میزانی را که مردان پرداخت می کنند، باید بپردازند.

لابد با پیاده شدن این قانون، دولت دختران این خانواده های محروم را برای تحصیل به خارج از کشور خواهد فرستاد!!!!

زنان کارگر ما برای کلیه حقوق انسانی خود که در درجه اول رهایی از زنجیرهای استثمار سرمایه داری است، مبارزه می کنند، زیرا که به تجربه آموخته اند که راه دیگری برای این مبارزه وجود ندارد. تنها با سرنگونی نظام سرمایه داری است که قدم اول اساسی برای احیای آزادی دموکراتیک و انسانی آنان برداشته می شود.